

سلسلهٴ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۲۵)

تهیه و تنظیم: دفتر علمی بنیاد هدیہ بہ حجج

ترجمہ: إسحاق بن عبداللہ دبیری العوضی

چاپ و نشر

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

عربستان سعودی



تهیه و تنظیم: دفتر علمی بنیاد هدیه به حجاج

ترجمه: إسحاق بن عبدالله دیری العوضی

ناشر

معاونت مطبوعات و پژوهش علمی

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

۱۴۲۵ھ

ص	عنوان	م
٤	فهرست مطالب	١
٦	مقدمه کتاب	٢
١٠	فضیلت حج و عمره	٣
١٢	حکم حج و عمره	٤
١٣	شروط قبول حج	٥
٢١	انواع نسکها	٦
٢٧	میقات گاه ها	٧
٣١	اعمالیکه حاج و معتمر در میقات انجام میشود	٨
٣٦	مخظورات احرام	٩
٤٣	دخول مکه و مسجد الحرام	١٠
٤٥	طواف عمره	١١
٥١	بعضی از اشتباهات و اخطا اثنای طواف	١٢
٥٤	سعی عمره	١٣
٦٠	آخرین اعمال عمره	١٤
٦٢	اعمال حاج در روز ترویة	١٥

۶۴	۱۶ اعمال روز عرفه
۶۸	۱۷ اشتباهاتی که در روز عرفه رخ میدهد
۷۲	۱۸ ماندن شب در مزدلفه
۷۶	۱۹ اعمال روز عید (۱۰ ذی حجه)
۸۷	۲۰ اعمال روزهای تشریق
۹۲	۲۱ طواف وداع
۹۵	۲۲ زیارت مسجد رسول الله
۱۱۰	۲۳ ادعیه از قرآن و سنت

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

[www.aqedeh.com](http://www.aqedeh.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً  
فيه، الحمد لله جعل البيت الحرام مثابة للناس وأمناً، تهفو  
إليه قلوب عباده المؤمنين، والصلاة والسلام على الحبيب  
المصطفى خير من حج البيت واعتمر، المبعوث رحمة  
للعالمين، أدى الأمانة، ونصح الأمة، وجاهد في الله حق  
جهاده، أرسله الله بالإسلام، يهدى به العباد ويخرجهم من  
ظلمات الكفر والشرك، إلى شمس الإسلام وسراج المنير.  
قال الله تعالى: ﴿ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا  
كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا  
نَهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدَى إِلَى صِرَاطٍ  
مُّسْتَقِيمٍ ﴾ [الشورى: ٥٢].

[وهمچنین (قرآن را به مثابه) روحی از کلام خود به

تو وحی کردیم. نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست.  
ولی آن (وحی) را نوری گردانده ایم، با آن هر کس از  
بندگانمان را که بخواهیم هدایت می کنیم. و بی گمان تو  
به راه راست هدایت می کنی].

خدایا! سپاس برای تو است که دین را شرع نمودی،  
و سپاس برای تو است که فرمان دادی، و سپاس برای  
تو است که آسان گردانیدی و سرنوشت نمودی.

برادر مسلمان!

مگه مکرمه بهترین زمین و محبوبترین جان نزد  
خداست، در آن مسجد الحرام و کعبه مشرفه وجود دارد  
که خدا آنرا قبله مسلمانان قرار داده است، و تمامی مردم

در هر شبانه روز پنج بار برای اطاعت از خدا و اجابت ندای حق بسوی آن رو میکنند، مکه مهد انبیاء و مقام پدرمان ابراهیم و مبعث پیامبرمان محمد است.

تو ای برادر هنگامی که در کشور خود بودی، و به سوی مکه مکرمه و کعبه مشرفه نماز می خواندی، و مردم را می دیدی که در حرم نماز می خوانند، و از خدا می خواستی که تو نیز یکی از آن مردمی باشی که در حرم هستند، چنان که آنان دور کعبه طواف می کنند، تو نیز طواف کنی، و نماز بخوانی چنان که آن ها نماز میخوانند، و آب زمزم بنوشی، و سعی بین صفا و مروه بکنی، و خدا را در بهترین مکان عبادت کنی.

ای برادر مسلمان! خدا را دعا کردی تا حج و عمره را  
برایت میسر گردانید، و دعایت را اجابت کرد، و آسان  
گردانید، و خواسته ات را برآورده کرد، پس خدا را  
سپاس، تو در حال حاضر راهی خانه خدا هستی، و ای  
برادر حق تو بر ما این است که تو را در این سفر همراهی  
کنیم، و از آغاز سفر خود به بلد الحرام، تا رجوع به  
سوی خانواده ات با سلامتی و اجر و پاداشی فراوان،  
چگونگی حج و عمره را برایت بیان کنیم.



حج و عمره برای کسی که نیت خود را برای خدا خالص کند، و اعمال آنرا بطوری که در قرآن و سنت شریف آمده انجام دهد، فضیلت بسیار بزرگی را دارد.

أبو هریره از رسول الله روایت می کند: «من أتى هذا البيت فلم يرفث ولم يفسق رجع كما ولدته أمه» [مسلم].  
هر کس به زیارت این خانه (کعبه) بیاید، و با زن خود نزدیکی نکند، و مرتکب معصیت و گناهی نشود، چنان از گناهایش پاک می شود، که گوئی تازه از مادرش متولد شده است.

یعنی چنان رجوع می کند مانند کودکی که هیچ گناهی

انجام نداده است.

أبو هريره از رسول الله روایت می کند که آن حضرت فرمودند: «العمرة إلى العمرة كفارة لما بينهما، والحج المبرور ليس له جزاء إلا الجنة». [متفق عليه].  
عمره تا عمره دیگر كفاره گناہانی است که بین آن انجام می شود، هیچ جزا و پاداشی برای حج مبرور جز بهشت نیست.

صفت حج مبرور برادر مسلمان چنین است که هیچ ریا، سمعی، گناه و معصیتی در آن نباشد، و آنرا بر وجه کامل چنانکه خدا و رسول خدا امر کرده اند انجام داده باشد.

حج رکن پنجم از ارکان اسلام است، و تمامی امت اسلام از عصر نبوت بر وجوب حج اقرار دارند و آنهم بر مسلمان بالغ و عاقل و آزاد که استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، خداوند می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران ۹۷].

و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس (حج خانه خدا را بجای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدینوسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانیده نه



به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی نیاز است].

اما عمره - ای برادر مسلمان - در قول صحیح از اقوال علماء فقط یکبار در عمر واجب است، حال اینکه این عمره با حج باشد، یا اینکه تنها انجام شود، یعنی در غیر وقت حج، در هر وقت از سال، و بر مسلمان بالغ و عاقل که توشه و راه رسیدن به مکه داشته باشد، واجب است.

:

برادر مسلمان! حج و عمره عبادتی برای خدای عزوجل است، و هر عبادت کوچک یا بزرگ قبول نمی شود مگر با دو شرط مهم، تا اینکه خشنودی خدا و بهشت را کسب نهائی.

: اینکه عبادت خالصاً برای رضا و

خشنودی خدا باشد، هیچ کس از مخلوقات خدا را در آن  
شريك قرار ندهد.

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «أنا أغنی  
الشركاء عن الشرك من عمل عملاً أشرك فيه معي  
غيري تركته وشركه» [مسلم].

من از کسانی که برایم شريك قائل می شوند بی  
نیازترین شریکان هستم، هر کس عملی انجام دهد و  
با من کسی دیگر را شريك قرار دارد، او و شرکش را  
ترك خواهم کرد.

یعنی خدا از بنده اش عملی را که در نیت آن کسی

را شريك قرار داده، قبول نميکند، و من جمله به جای آوردن حج یا عمره برای اینکه مردم ببینند یا بشنوند (قصدهش شهرت باشد)، چون که همه اینها اعمال را نابود می کند، پس ای برادر از این برحذر باش.

. پیروی کردن از پیامبر

هر عبادتی که خدا به آن امر فرموده آن حضرت صفت و چگونگی آنرا به ما می آموزد، و آنرا در کتاب خدا و سنت پیامبر می بینیم.

و هیچ عبادتی نیست مگر اینکه صفت خاصی دارد، مثلاً نماز صفت خاصی دارد، و همچنین زکات، روزه، رمضان، حج و سایر عبادتها ویژگی خاصی دارند.

و رسول الله مناسك حج را ادا میکردند، و میفرمودند: «خذوا عني مناسككم» [مسلم با الفاظ متقارب]. از من مناسك و راهنمای حج خود را بیاموزید.

یعنی بنگرید من در اعمال حج و عمره چه می کنم، شما هم به من تاسی و اقتدا کنید.

و از هر چیزی بطور اضافی در دین بر حذر میداشتند، چنانکه فرمودند: «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد» [مسلم].

«هر کس عملی انجام دهد که امر و فرمان ما بر آن نیست، آن عبادت مردود است».

یعنی هر عبادتی که بر آئین خدا و رسول خدا

نباشد، آن عبادت مردود و غیر قابل قبول است.

ای برادر مسلمان! این دو شرط را در تمامی عبادتها مد نظر داشته باش، و در حج و عمره بدان که مهمترین چیزی که بر تو واجب است، این است که متأكد شوی آیا آنرا با اخلاص انجام داده ای؟ آیا حج و عمره را چنانکه خدا و رسولش امر کرده اند انجام داده ای؟

خدایا! تمامی اعمال ما را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار بده.

خدایا! ما در آن هیچ ریا و سمعتی نمی خواهیم، و آنرا چنانکه تو و رسولت امر کرده اید انجام می دهیم، آمین.

ای برادر مسلمان! اگر عزم سفر بسوی خانه خدا برای  
ادای حج کردی، توشه و نفقه خود را از مال پاک و  
حلال قرار ده، و با دوستان خوب و صالح و نیک که تو  
را بر طاعت و فرمان خدا کمک می کنند، سفر کن، و  
احکام خاص به حج را بیاموز، تا در اشتباهاتی که  
حج ات را فاسد کند نیفتی، و اگر به اشتباه و اشکالی  
برخورد کردی از علماء سؤال کن، چنان که رسول الله  
فرمودند: که علماء وارثان انبیاء هستند. [أبو داود].

برادر! یادآوری می کنیم که در داخل مسجد الحرام و  
مشاعر مقدسه دفترهایی ویژه فتوا و ارشاد اسلامی و  
تلفن هایی ویژه زنان وجود دارد که هنگام سؤال و

اشکال و اشتباهات در مورد حج و عمره و مسایل شرعی می توان با آنها تماس گرفت، خداوند پاداش خیر به قائمین بر آنها بدهد.

بر زنان واجب است که با کسانی که محرم او هستند سفر کنند مانند: پدر، برادر، پسر، شوهر، و مانند اینها، و اگر تنها و بدون محرم سفر کند، حج او صحیح، ولی گناهکار است.

و الآن ما و شما در رحاب و وسعت (فراخی) این دین عظیم، و احکام عبادتی از عبادات بزرگ داخل میشویم، پس با تو سفر بسوی بهترین مکان را در زمین شروع می کنیم، زمینی که خدا در آن برکت فرستاده، و آنرا



أمن و أمان قرار داده است، و کسانی که در آن هستند  
ایمن می باشند، بسوی بیت الله الحرام.



برادر مسلمان! برای حج سه نسك است که حاج یکی از آنها را اختیار میکنند، و هر کدام را که انجام دهد حج او صحیح است، و نسکها چنین میباشد:

: :

حاج برای عمره در یکی از ماه های حج احرام میبندد، و ماه های حج عبارتند از: شوال، ذی قعدة، ده روز از اول ذی حجه، و می گوید: **لیک عمره**، سپس اعمال عمره را بطور کامل انجام میدهد، و هرگاه طواف و سعی انجام داد

(۱) نسك: منسك، راه دین و روش عبادت، (فرهنگ بزرگ جامع نوین).

منسك: راه و روش عبادت، مناسك حج . (فرهنگ فارسی عمید).

و سر را تراشید یا کوتاه کرد عمره او پایان رسیده و همه چیز که قبل از احرام بر او حرام شده بود، حلال می گردد. سپس روز هشتم ذوالحجه از جای سکونت خود فقط برای حج، احرام می بندد، و می گوید: *لیک حجاً*، و بر متمتع *یک گوسفند و یا یک هفتم شتر و یا یک هفتم گاو* هدی<sup>(۲)</sup> واجب است، اگر پیدا نکرد سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می گیرد.

بنابر صحیح ترین اقوال علماء، حج تمتع بهترین سه نسك بشمار میرود، آنهم برای کسیکه قربانی با خود همراه ندارد، زیرا پیامبر بعد از اینکه بین صفا و مروه سعی

(۲) هدی در زبان فارسی شکرانه گویند، آن حیوانی که در صحرای منی ذبح می شود.

نمودند فرمودند: «من كان منكم ليس معه الهدي  
فليحل وليجعلها عمرة» [متفق عليه].

هر کس از شما با خود هدی همراه ندارد از احرام  
بیرون بیاید و آنرا به عمره تبدیل کند.

چون حاج در سفر خود حج و عمره را با هم جمع  
کرده است.

: :

حاج برای انجام حج و عمره با همدیگر در ماه های  
حج در میقاتگاه نیت کرده، می گوید: (لبیک عمرة  
وحجاً)، و وقتی به مکه رسید طواف عمره کرده و برای  
حج و عمره فقط يك سعی می کند، و اگر خواست

سعی حج را به بعد از طواف افاضه بتأخیر می اندازد، سپس بر احرام خود باقی مانده سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی کند تا اینکه روز هشتم ذوالحجه به منی رفته و باقی نسك خود را به پایان می رساند.

و قارن مانند متمتع هدی بر او واجب است، و اگر هدی پیدا نکرد (یا نتوانست) سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می گیرد.

:

حاج فقط برای حج در ماه های حج نیت کرده و احرام می بندد و می گوید: (لبيك حجاً)، و شخص مفرد عمل قارن را انجام می دهد جز اینکه قارن بر او

هدی واجب است، ولی مفرد چنین نیست چون مانند  
متمتع و قارن بین حج و عمره با هم جمع نکرده است.  
و حاج بین سه نسك گذشته بخیر است، ولی برای  
کسیکه با خود هدی همراه ندارد حج متمتع بهتر است،  
چنانکه قبلاً ذکر شد.

برادر مسلمان! اگر بسوی خانه خدا، بیت الله الحرام،  
متوجه شدی، و قصد انجام حج و عمره را داشتی اولین  
چیزی که باید انجام دهی؛ نیت کردن از میقات است.  
آنهم نیت دخول به حج یا عمره.

و هر کس بخواهد به مکه برود و قصد حج یا عمره  
دارد باید از میقات نیت کند.

میقات جاهای معلومی است که رسول الله برای کسانی که از تمامی نقاط زمین قصد زیارت خانه خدا را دارند تعیین کرده است، و قبل از رسیدن به بیت الله الحرام از آنجا نیت می کنند.





\_\_\_\_\_:

میقات اهل مدینه، و کسانی که از آن راه به مکه میروند، تا مسجد النبوی (۱۳) کیلومتر فاصله دارد، و آن دورترین میقات از مکه می باشد، که تا مکه (۴۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر آن را آبیار علی مینامند.

\_\_\_\_\_:

قریه ای نزدیک به شهر رابغ است، در حال حاضر مردم از رابغ نیت می کنند، چون کمی قبل از جحفه میباشد، و تا مکه (۲۸۰) کیلومتر فاصله دارد، و آنها میقات اهل شام و مصر و شهرهای شمالی عربستان

سعودی، و کشورهای آفریقای شمالی و غربی، و کسانیکه از آن راه بروند می باشد.

\_\_\_\_\_:

آنرا سیل الکبیر می نامند، و تا مکه (۷۸) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل نجد، تمامی اهالی شرق عربستان (شیخ نشینان خلیج)، عراق، ایران، و کسانی است که از آن راه می روند، و در حال حاضر مقابل و برابر آن (وادی محرم) که در جاده (الهدا) غربی شهر طائف، که تا مکه (۷۵) کیلومتر فاصله دارد، میقات اهل طائف، و کسانی است که از آن راه میروند و در حقیقت میقات مستقلی نیست.



:\_\_\_\_\_

در حال حاضر (السعديه) نام دارد، و تا مکه (۱۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل یمن و کسانی است که از آن راه می روند.

:\_\_\_\_\_

میقات اهل عراق و ساکنان مشرق عربستان است، در حال حاضر بسبب عدم وجود راه بسوی آن مهجور می باشد، و تا مکه (۱۰۰) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر مردم از سیل کبیر، و یا از ذو الحلیفه نیت (احرام) می بندند.

اما ساکنان مکه برای ادای حج از خانه های شان ،

و برای عمره از تنعیم<sup>(۳)</sup>، یا هر جایی خارج از حدود حرم نیت می کنند.

هر کس قبل از این میقات ها سکونت داشته باشد، مانند: ساکنان شهر جده، بحرہ، شرائع، و غیر از اینها، برای حج و عمره از خانه هایشان نیت می کنند.

بر هر مسلمانی که قصد حج دارد و بر این میقاتها عبور می کند واجب است که از آنجا احرام و نیت ببندد، و اگر از آن عبور کرد و قصد حج را داشت و نیت نکرد، واجب است که به آن میقات برگشته و نیت کند، اگر اینکار را نکرد، فدیہ بر او واجب می شود، و آن

---

(۳) تنعیم: در حال حاضر آنرا مسجد عایشه گویند.

گوسفندی است که باید در مگه ذبح شود و بین فقرای  
حرم توزیع گردد، و هر کس در حالت فراموشی و یا در  
حال خواب از میقات عبور کرده و نیت نکرد، هر گاه به  
یادش آمد واجب است که به میقات برگردد، و اگر این  
کار را نکند - چنانکه گذشت - بر او فدیة واجب است.



برادر مسلمان! هرگاه از راه ماشین و غیره به میقات  
رسیدی، سنت است که غسل کرده، تمامی بدن خود را  
معطر، و اگر میسر شد ناخن های خود را کوتاه کن،  
سپس لباس احرام بپوش (دو عدد ازار و رداء سفید و  
بهتر است که نو، و یا نظیف و پاک باشد).

واجب است که لباس احرام بدون عطر و بوی  
خوش باشد در غیر این صورت باید عطر و بوی خوش  
آن شسته شود.

زن لباس معین و سنتی ندارد، بلکه هر لباسی که  
خواست می پوشد، لکن لباسی محتشم (بدون زینت)

میپوشد، و از اسباب فتنه خودداری می کند، و زن اگر بر مردان (غیر محرم) عبور می کند عطر و بو خوشی استعمال نمی کند.

برادر مسلمان! مستحب است که بستن احرام و نیت، بعد از یکی از نمازهای فریضه باشد، و اگر در غیر وقت نماز فریضه بود، دو رکعت نماز سنت وضوء را ادا می کنی.

اگر از تمامی اینها فارغ شدی نیت کرده و می گوئی:  
**لبیک عمره**، اگر متمتع باشی، و یا می گوئی **لبیک عمره و حجاً**، اگر قارن باشی، و یا می گوئی **لبیک حجاً** اگر مفرد باشی، سپس تلبیه می گوئی چنانکه رسول الله گفتند: **(لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن**

الحمد و النعمة لك والملك، لا شريك لك). [متفق عليه].

[گوش بفرمانم، ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، گوش بفرمانم، همانا ستایش و نعمت و سلطنت از آن تو است و تو شریکی نداری].

ای برادر مسلمان! اگر قدم تو از طریق دریا، و یا هواپیما بیایی، معمولاً خلبان و ناخدا هنگام نزدیک شدن به میقات مردم را آگاه می کند، تا برای بستن احرام و نیت کردن آماده شوند، و هرگاه به مقابل میقات رسیدند نیت حج می کنند، چنان که قبلاً ذکر کردیم.

و هیچ اشکالی ندارد که در این حال قبل از خارج شدن از خانه لباس احرام پوشیده شود، و به هواپیما و یا

کشتی سوار شوید، و هرگاه به مقابل میقات رسیدید  
نیت دخول به نسك کرده و تلبیه بگوئید.

و باید حاج بسیار تلبیه بگوید، و صدای خود را با  
گفتن آن بلند کند، ولی زن صدای خود را بلند نمی کند،  
بلکه با خود تلبیه می گوید، به اندازه ای که خود و  
اطرافیان خود بشنوند، و همچنان تلبیه می گوید تا اینکه  
طواف عمره را شروع نماید. و برای حاج تا اینکه جمره  
العقبه را در روز عید رمی کند.



برادر حاج! داخل شدن تو در منسك حج و عمره  
چیزهائی بر تو حرام می گرداند که آنرا محظورات احرام  
می نمایند، که عبارتند از:

۱ - از بین بردن مو با تراشیدن و یا غیره، کوتاه کردن  
ناخن های دست و پا، و اگر محرم احتیاج داشت جایز  
است سر خود را بخاراند، و اگر موئی بدون قصد یا  
بطور فراموشی و یا بطور نادانی از سرش افتاد، چیزی بر  
او واجب نیست.

۲ - عطر در لباس و یا در بدن و غیره استعمال  
نمیکند، اما عطری که قبل از نیت در بدن و سر خود

استعمال کرده بود، ماندن آن بعد از احرام اشکالی ندارد.

۳ - محرم با زن خود نزدیکی و همبستر نمی شود، و با شهوت مباشرت نمی کند، و او را بوسه نمی دهد، و با شهوت به او نمی نگرد، و محرم خواستگاری نمی کند، و عقد نکاح چه برای خود و چه برای دیگران انجام نمیدهد، تا هنگامیکه محرم است.

۴ - محرم دستکش نمی پوشد.

۵ - محرم از کشتن حیوان یا اذیت و کمک به صید چیزی منع شده است، مانند: خرگوش، کبوتر و اگر صید داخل حدود حرم باشد بر همه کس چه محرم یا غیر محرم حرام است.

۶ - بر مرد پوشیدن قمیص (جامه) یا هر گونه دوختنی بر تمامی جسم، و یا بر بعضی از آن حرام است، مانند: زیر شلوار، پیراهن داخلی، عمامه، کلاه، و موزه، ولی اگر کسی احرامی ندارد، یا فراموش کرده بود و در هواپیا بود، هر لباسی را بصورت ازار بپوشد، و اگر پیدا نکرد زیر شلوار می پوشد، و همچنین اگر نعلین پیدا نکرد، موزه (خف) میپوشد، و إن شاء الله هیچ اشکالی در آن نیست.

و محرم می تواند هر نعالی که احتیاج داشته باشد بپوشد، و همچنین ساعت مچی، انگشتر، عینک، گوشی و کمربندی که پول و چیزهای دیگر در آن نگه می دارد اشکالی ندارد.

۷- بر مرد محرم پوشیدن سر با چیزی که به آن چسپیده باشد مانند احرامی، و عمامه و غتره (دستمال)، و کلاه حرام است.

ولی اگر چتر، یا خیمه، یا سقف ماشین، یا امتعه خود را بر بالای سر حمل کند، اشکالی ندارد، و اگر محرم سر خود را از روی فراموشی و یا جاهلانه پوشید، در حال تذکر باید آنرا از سر بردارد، و هیچ چیزی بر او واجب نمیشود.

۸- بر زن محرم حرام است که دستکش بپوشد، و چهره خود را با نقاب (روبند) پوشیده و چشمهایش را باز کند، همه اینها در وقت احرام حرام است، بلکه بر زن واجب است که صورت خود را با روپوش شرعی (اسلامی) در

حال عبور بر مردها، یا عبور مردها بر او در تمامی حالتها؛  
چه در حالت احرام و چه در غیر آن، بیوشانند.

کندن و بریدن درختان و گیاهان (کاشته نشده) حرم  
بر محرم و غیر محرم حرام است، و هر چیزی که در حرم  
پیدا شود نباید برداشت مگر برای معرفی کردن آن.

برادر ممکن است احتیاج به تغییر لباس احرام و یا  
پاک کردن آن، و یا شستن سر و بدن خود داشته  
باشی، هیچ اشکالی در اینها نیست، اگر هم موئی  
بدون عمد افتاد بر تو چیزی واجب نمی شود.

حاج گرامی! هنگام داخل شدن در نسك بر تو  
واجب می شود که از گناهان دوری کنی، و ذکر خدا و

تلبیه را بسیار بگوئی، و از غیبت و عیب جوئی، و سخن چینی، و دعوا که بسیار میان بعضی از مردم رخ می دهد - خدا آنها را هدایت کند - و حج و عمره را فاسد می کند بر حذر باش.

همچنین بر تو واجب است که چشمان خویش را فرو گیری، و گوش خویش را از شنیدن حرام نگه داری، و به سوی خدای خود توجه کنی، و تلبیه را ادامه داده و ذکر و یاد خدا کرده و قرآن تلاوت نهایی، فقط به عبادت و ذکر خدا مشغول باش، از خدا برای تو خواهان قبول و یاری هستیم، و از خدا بهترین اعمال و بهترین حاجات خواهانیم.

برادر مسلمان! رسول الله وقتی به مکه مکرمه رسیدند غسل نمودند. [متفق علیه]، پس هنگام رسیدن به مکه مکرمه غسل نمودن سنت است، و نزدیک حرم اماکن بسیاری برای وضوء و غسل آماده شده است، از خدا خواهانیم اجر کسیکه به این اماکن امر کرده تا برای میهمانان خانه خدا آماده شود در ترازوی اعمال نیک او قرار دهد.

بعد از آن برای انجام ادای عمره به مسجد الحرام رفته به سوی کعبه متوجه می شوی در حالیکه تلبیه میگوئی.  
در حال دخول به مسجد الحرام پای راست خود را

جلو گذاشته و می گوئی: «بسم الله والصلاة [ابن السني  
 وصحه الألباني] والسلام على رسول الله، اللهم افتح لي  
 أبواب رحمتك [مسلم]، أعوذ بالله العظيم، ووجهه  
 الكريم، وسلطانه القديم، من الشيطان الرجيم». [ابوداود،  
 وصحه الألباني].

[به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ، الهی!  
 درهای رحمت خود را بر من بگشا، به خداوند بزرگ و  
 وجه و روی گرامی، و قدرت قدیم و و ازلی او، از بدی  
 شیطان رانده شده پناه می برم].

و این دعا در هنگام دخول همه مساجد گفته میشود.

سپس بسوی کعبه رفته تا طواف عمره را شروع  
 کنی، و واجب است که با وضوء باشی، و بر مرد سنت

است که احرام خود را بطور (اضطباع)<sup>(۴)</sup> تا آخر طواف  
 بپوشد، یعنی وسط رداء را زیر بغل راست کرده و شانه  
 خود را آشکار نماید، و دو طرف آنرا بر شانه چپ قرار  
 دهد.

و تلبیه با شروع به طواف قطع می شود.




---

(۴) اضطباع: یعنی وسط رداء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو  
 طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد. رداء همان احرامی است که حاج بر بدن می پوشد.

توصیف طواف عمره: به حجر الأسود آمده و با دست راست آن را گرفته بوسه دهد، و اگر استلام<sup>(۵)</sup> آن میسر نشد با دست راست بسوی آن اشاره کرده و لازم نیست دست خود را بوسید، و می گوید: الله أكبر [بخاری]، اگر بگوید بسم الله، والله أكبر بهتر است [موقوف بر ابن عمر، رواه البيهقي ۷۹/۵، وابن حجر: التلخیص الحییر ۲/۲۴۷، با سند صحیح]، و در آغاز طواف گفتن این دعا مستحب است: «اللهم إيماناً بك، وتصديقاً بكتابك، ووفاءً بعهدك، واتباعاً لسنة نبيك محمد». [منبع سابق].

(۵) استلام: دست کشیدن به چیزی، استلام حجر: دست مالیدن به حجر الأسود در ضمن مناسک حج. (فرهنگ فارسی عمید).

[بار الهی! با ایمان به تو، و تصدیق به کتاب تو  
(قرآن)، و وفا نمودن به عهد و پیمان تو، و پیروی از  
سنت پیامبر تو محمد شروع می کنم].

برای عمره کننده بهتر این است که مزاحم مردم  
نشود، و آنها را اهل ندهد، و آنها را کتک نزد و دشنام  
ندهد و آزار و اذیت نکند، چون اینها اشتباهاتی است که  
با آن هیبت و عظمت عبادت از بین می رود.

سپس طواف را هفت شوط<sup>(۶)</sup> از نزد حجر الأسود  
شروع کرده، کعبه را بر دست چپ خود قرار دهد،

(۶) شوط: هر بار که شخص دور کعبه طواف کند(فرهنگ فارسی عمید).

همچنین هر بار رفتن از کوه صفا به کوه مروه يك شوط، و از کوه مروه به کوه صفا يك  
شوط(مترجم).

استغفار کنان و دعا کنان به هر چه بخواهد، و یا تلاوت قرآن، همه اینها بدون بلند کردن صدا باشد، نه چنانچه بعضی از مردم آنرا انجام می دهند و صدای خود را بلند میکنند، چون این باعث تشویش برادران دیگر می شود.

اگر به رکن الیمانی رسیدی و گرفتن آن میسر شد، با دست راست آنرا بگیر، ولی آنرا نبوس و به آن مسح مکن، چنانچه بعضی مردم انجام میدهند، چون این از رسول الله ﷺ وارد نشده است، و اینرا در هر شوط از طواف انجام میدهی، و اگر گرفتن رکن الیمانی میسر نشد بدون اشاره و بدون گفتن تکبیر عبور کن.

سنت است که بین رکن الیمانی و حجر الأسود این

دعا را بگوئی: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ  
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ .

[پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما و  
ما را از عذاب دوزخ، نجات ده].

و همچنین هفت دور را با شروع از حجر الأسود و  
با انتهای به آن انجام دهد، و با عبور به حجر الأسود آنرا  
گرفته و می بوسد، و می گوید: الله أكبر، و اگر گرفتن و  
بوسیدن آن میسر نشد، وقتی به مقابل آن رسید با دست  
راست به آن اشاره کرده و یکبار تکبیر می گوید.

در سه شوط اول طواف قدوم کمی تندتر راه برود،

که آنرا الرمل<sup>(۷)</sup> گویند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد، چون سنت است.

برادر مسلمان! اگر طواف را به پایان بردی، شانه ات را بپوشان، و سنت است که اگر میسر شد دو رکعت نماز به صورت کوتاه، در پشت مقام ابراهیم ادا کنی، و اگر بسبب ازدحام پشت مقام ابراهیم میسر نشد، در هر جا از حرم آن را ادا کن، در رکعت اول بعد از فاتحه سوره کافرون ﴿قُلْ يَتَّيِبُهَا الْكٰفِرُونَ﴾ و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره اخلاص ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾ خوانده میشود، و اگر غیر از این دو سوره خوانده شد اشکالی ندارد.

(۷) الرمل: یعنی کمی دویدن یا نزدیکی پاها (مترجم).

بدان که رسول الله هنگام پایان بردن طواف به چاه زمزم رفته و از آن نوشیدند، پس مستحب است هرگاه از طواف فراغت یافتی به چاه زمزم رفته و از آب آن بنوشی، یا از کلمن های مخصوص آب زمزم بنوشی. و اگر میسر شد به حجر الأسود برگشته و آنرا استلام کنی، و اگر جمعیت زیاد باشد، باید آنرا ترك کرد.



❁ بعضی از حجاج هنگام طواف اشتباهاتی انجام میدهند که باید از آن برحذر بود:

❁ بعضی از طواف کنندگان به داخل حجر اسماعیل رفته، ولی قول صحیح این است که طواف داخل حجر اسماعیل باطل است، و هر کس اینرا انجام داد باید به اندازه هر شوط آنرا اعاده کند، چون حجر اسماعیل جزوی از کعبه است، و مسلمان مأمور است تا دور کعبه را طواف کند نه داخل آن را.

❁ بعضی از طواف کنندگان نه تنها تمامی ارکان و نبش کعبه، بلکه به تمامی دیوارهای کعبه، و مقام ابراهیم

دست کشیده و مسح می کنند، و رسول الله غیر از حجر الأسود و رکن الیہانی چیز دیگری را استلام نکردند. ❁ بعضی ها در اثنای طواف صدای خود را بلند میکنند، و مزاحم برادران دیگران می شوند، و همچنین برای بوسیدن حجر الأسود و نماز خواندن پشت مقام لبراهیم، و در بعضی وقتها برای بوسیدن آن دعوا و مخاصمه می شود، و این درست نیست، و میان زنان و مردان اختلاط بوجود می آید، و این فتنه و اذیت مسلمانان است، و زدن و دشنام به دیگران جایز نیست، و باید اخلاق انسان در مقابل اشتباهات دیگران و اساءت آنان در این جا گذشت و بخشش باشد.

❁ بعضی‌ها برای هر شوط دعای ویژه‌ای از کتابهای خاصی می‌خوانند، که این يك نوع بدعت بشمار میرود، و از رسول الله هیچ دعائی بجز ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ که بین رکن الیمانی و حجر الأسود گفته می‌شود، چیز دیگری وارد نشده است.

و از پیروی رسول اکرم لین است که هیچ دعای خاصی در شوط اول تا شوط هفتم نخوانی، و در آخر این کتاب چند دعای برگزیده از قرآن کریم و سنت پیامبر آورده ایم تا با آن‌ها دعا کنی و تو را از خواندن دعا‌های دیگر بی‌نیاز می‌کند.

ای برادر! سپس به سوی صفا و مروه متوجه  
میشوی، و آنهم دو کوهی است که هاجر همسر ابراهیم  
هنگامی که تشنگی بر پسرش اسماعیل شدت  
گرفت بر آن بالا رفت تا دنبال آبی بگردد، و از صفا پائین  
آمده و کمی راه رفته سپس کمی دویده، سپس باز راه  
رفته تا اینکه به کوه مروه می رسید، و از آن بالا میرفت، تا  
کسی را پیدا کند و آب برای خود و پسرش بیاورد، تا  
اینکه خدا فرج آورد و آب از نزد اسماعیل بیرون آمد.

برادر عمره کننده! اگر به کوه صفا نزدیک شدی این  
آیه را تلاوت کن: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ

حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿البقرة: ۱۵۸﴾.

این آیه را در وقت نزدیک شدن به کوه صفا قبل از بالا رفتن تلاوت می کنی، و غیر از اینجا بدایت شوط اول در جای دیگر تلاوت نمی شود، و در هر شوط تکرار نمی شود، سپس به کوه صفا بالا برو، و لازم نیست تا آخر کوه بالا روی، بلکه کمی از آن کافی است تا اینکه زمین هموار شود، سپس به سوی کعبه متوجه شده بگو: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده،



وهزم الأحزاب وحده».

الله بزرگ است (سه بار)، به جز الله، معبود دیگری  
بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد،  
پادشاهی از آن اوست، وستایش مخصوص اوست، او بر  
هر چیز توانا است، بجز او معبود دیگری بحق  
وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعده اش را تحقق  
بخشید، و بنده اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه ها را  
شکست داد.

این ذکر را سه بار تکرار کرده و بین آنها از خیر دنیا و  
آخرت برای خود و دیگران می خواهی، و اگر از سه بار  
کمتر باشد این شاء الله اشکالی ندارد.

و دست خود را بلند مکن مگر در حال دعا، و در حال تکبیر لازم نیست آنرا بلند کرد.

سپس از کوه صفا پایین آمده به طرف کوه مروه بطور عادی راه رفته، خدا را یاد کرده و برای خود و اهل و برادران مسلمان دعا میکنی وقتی که به اولین نشان سبز رنگ رسیدی، در اینحال کمی دویده تا به نشان دوم بررسی، تا آنجائی می توانی، سپس راه رفته تا به کوه مروه بررسی، و هنگام رسیدن به کوه مروه بالا رفته رو به قبله می کنی، و آنچه را که در کوه صفا انجام دادی آنرا تکرار می کنی آنهم عبارتست از: سه بار: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله

وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده»، و بین آنها دعا می کنی.

سپس رفته تا اینکه به نشان سبز برسی، و همچنان که ذکر شد انجام میدهد تا به کوه صفا برسد.

و همینطور سعی را هفت بار انجام بدهد و شوط هفتم باید به کوه مروه پایان یابد، هر بار که از کوه صفا به مروه رفت، يك شوط، و از کوه مروه به صفا، يك شوط بحساب می رود.

آرام راه رفتن در ابتدای سعی اشکالی ندارد، و اگر خسته شدی استراحت کن، و یا با گاری آنرا پایان برسان،

اگر وقت نماز رسید و در سعی بودی، نمازت را ادا کن و از همانجا که سعی را قطع کرده ای آنرا ادامه میدهی.

و در اثنای سعی مستحب است که انسان وضوء داشته باشد، و اگر سعی کرد و در حال طهارت نبود، سعی او صحیح است، همچنین زن اگر حیض داشت یا نفاس بود، سعی او درست است، چون در سعی طهارت شرط نیست، بلکه مستحب است.



برادر مسلمان! بعد از هفت شوط سعی که از کوه صفا شروع شده بود و در کوه مروه به پایان رسید، موی سر خود را تیغ می زنی، اگر نسک تو متمتع بود، و وقت حج نزدیک نباشد، اگر برای حج وقت کافی باشد که موی سرت بلند شود، اگر وقت حج نزدیک بود موی سر خود را کوتاه می کنی، و بایستی کوتاه کردن مو شامل تمامی سر شود، نه مانند بعضی از مردم که فقط به کوتاه کردن بعضی از موی سر اکتفا می کنند.

زن از هر زلفه خود به اندازه یک بند انگشت موی خود را کوتاه می کند.

برادر مسلمان! اگر سر خود را تراشیدی و یا کوتاه کردی، چنانکه خدا امر فرموده، و رسول الله سنت کرده است، عمره ات به پایان رسیده است، و نسك خود را اتمام کرده ای، و بعد از این همه چیز که قبل از پوشیدن احرام از محظورات احرام بر تو حرام شده بود، بر تو حلال می شود، و لباس خود را می پوشی، و عطر استعمال می کنی، و همسرت بر تو، و هم چنین سایر محظورات احرام بر تو حلال می شود.

ولی برادر حاج اگر حج تو قارن و یا مفرد باشد موی سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی کنی، بلکه در احرام خود باقی می مانی تا اینکه روز عید از احرام بیرون آمده حلال شوی.

( )

روز هشتم (۸) ذی حجه بر حاج متمتع مستحب است که از محل سکونت خود قبل از زوال آفتاب احرام ببندد، و اهل مکه اگر خواستند به حج بروند از خانه هایشان احرام می بندند.

ولی قارن و مفرد که حلال نشده بودند آنها بر احرام خود باقی هستند.

متمتع و کسیکه بخواهد به حج برود احرام بسته همه اعمالی که نزد میقات انجام داده بود از غسل و نظافت و بوخوشی و غیره دوباره انجام می دهد، سپس برای حج در قلب خود نیت کرده می گوید: (لبيك حجاً) سپس تلبیه را

شروع می کند: «لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك  
لبيك إن الحمد والنعمة لك والملك، لا شريك لك».

و تمامی حجاج متمتع و قارن و مفرد در این روز قبل  
از زوال به صحرای منی می روند و در آنجا نماز ظهر و  
عصر هر کدام را دو رکعت در وقت خود، و نماز مغرب  
را سه رکعت در وقت خود، و نماز عشاء دو رکعت در  
وقت خود، و فجر روز نهم دو رکعت می خوانند.

برادر حاج! مستحب است که شب عرفه در منی صبح  
کنی چنانکه رسول الله ﷺ انجام دادند، و وقتی نماز صبح را  
ادا کردی تا طلوع آفتاب منتظر شوی، و بعد از طلوع آفتاب  
تلبیه گویان، و تکبیر گویان به سوی عرفات بروی.

( )

روز عرفه روز مبارکی است خداوند به سبب فراوانی خیرات در آن، و نزول فرشتگان رحمت در آن روز، در قرآن به آن سوگند خورده است، هیچ وقت شیطان حقیرتر و پست تر از این روز دیده نشده است.

هرگاه به عرفه رسیدی مستحب است که - اگر برایت میسر شد - در درّه (وادی نمره) تا زوال آفتاب بهانی، چنانکه رسول الله آنرا انجام دادند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد که در هر جای دیگر داخل حدود عرفه، - چنانکه با علامت ها و نشانه ها و تابلوهای ارشادی بیان شده - بهانی.

پس از طلوع آفتاب، تا غروب آفتاب در عرفه می‌مانی، و وقت خود را در تلبیه و دعا و استغفار و ذکر خدا می‌گذرانی، هنگام زوال آفتاب و دخول وقت ظهر، بر امام سنت است که خطبه‌ای شامل که بیان‌کننده همه چیز در آن روز و روز بعدی باشد بخواند، و مردم را وعظ و پند دهد و نصیحت کند، و به احکام اسلام تذکر دهد، و آنچه بر مسلمان مقابل خدا و خانواده و برادران مسلمان خود واجب است بیان کند، چنانکه رسول الله چنین انجام دادند.

سپس نماز ظهر و عصر را قصرأ و جمعأ در وقت ظهر با يك اذان و دو اقامه ادا میکند، و قبل از نماز ظهر و بین

نماز ظهر و عصر و بعد از نماز عصر هیچ نماز دیگری ادا نمی شود.

برادر حاج! و هنگامی که نماز را به پایان رساندی، در این لحظات خدا را بسیار ذکر کن، تا این فرصت بزرگ از تو فوت نشود، و بسیار دعا و ذکر خدا و تسبیح و تحمید و تهلیل و توبه و استغفار کن، تا اینکه آفتاب غروب کند، و در حال دعا کردن دو دست خود را بلند کن در حالی که رویت به قبله است، و در حالی که در خضوع و خشوع و فروتنی باشی، رسول الله میفرماید: «خیر الدعاء دعاء یوم عرفة، وخیر ما قلت أنا والنبیون من قبلی: لا إله إلا الله وحده لا شریک

له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير».

بهترین دعا دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته اند: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير». [الترمذي، وحسنه الألباني في صحيح الترمذي ٣/ ١٨٤].

هیچ معبودی بجز الله بحق وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمد از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست.

و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواه.

و از اعمالی که اجر و ثواب را در این موقف بزرگ از

بین می برد بر حذر باش.

بعضی از حجاج در روز عرفه اشتباهاتی انجام می‌دهند و ما آنرا ذکر می‌کنیم تا از آن برحذر باشی.

۱ - بعضی از حجاج خارج از حدود عرفه می‌نشینند، در حالیکه با نشانه‌ها حدود آن معین شده است، آنها ارشاد و راهنمایی می‌شوند، ولی چون عجله دارند تا از عرفه بیرون روند قبول نمی‌کنند، و این رکن بزرگ را از بین می‌برند، رسول الله می‌فرماید: «الحج عرفة». [ابوداود و الترمذی].

حج همان روز عرفه و نزول در عرفه است.

۲ - بعضی از حجاج برای رسیدن به جبل الرحمة خود را به زحمت می‌اندازند، و خود را به کوه و سنگ‌های آن

می مالند و معتقدند که برای آن ویژگی خاصی است، در حالیکه این يك نوع بدعت است باید از آن اجتناب ورزید، و برای حاج کافی است که داخل حدود عرفه در هر جا که باشد بایستد.

۳- بسیاری از حجاج در روز عرفه به شوخی و خنده و سخنانی بی فایده مشغول می شوند، و ذکر خدا و دعا و استغفار را در این موقف بزرگ ترك می کنند.

۴- بعضی از حجاج در حال دعا کردن رو به کوه کرده و قبله را پشت سر خود، یا در دست راست، یا دست چپ خود قرار می دهند، ولی سنت این است که اگر میسر شد کوه را بین خود و بین قبله قرار داد، و اگر

میسر نشد - غالباً چنین خواهد بود - بسبب ازدحام زیاد -  
سنت این است که در حال دعا رو به قبله کند، اگر کوه  
جلو حاج نباشد.

۵ - بعضی از حجاج قبل از غروب آفتاب از عرفات  
خارج می شوند، و این جایز نیست، و باید حاج از  
عرفات خارج نشود تا اینکه آفتاب غروب کند، تأسی و  
اقتدا به رسول الله کند چنانکه فرمودند: «خذوا عنی  
مناسککم».

مناسک خود را از من بیاموزید.

۶ - بعضی از حجاج در خروج از عرفه عجله کرده و  
تلبیه را فراموش می کنند، و تمام تلاش او این است که هر



:

بعد از غروب آفتاب روز عرفه حجاج بسوی مزدلفه  
بحرکت در می آیند، و اولین چیزی که حاج باید وقت  
رسیدن به مزدلفه انجام دهد ادای نماز مغرب با عشاء  
جمع و قصر (سه رکعت نماز مغرب و دو رکعت نماز  
عشاء) است، و آن شب را در مزدلفه بماند، و حریص  
باش تا زود بخوابی تا هنگام برخاستن برای ادای بقیه  
مناسک حج روز عید زرنگ و نشیط باشی.

پس هرگاه که صبح طلوع کرد دو رکعت نماز صبح  
خوانده سپس بسوی مشعر الحرام که کوهی در مزدلفه  
است رفته و نزد آن بایست و در حال حاضر نزد آن کوه

مسجدی بنا شده است، و یا در هر جای دیگر از مزدلفه رو به قبله ایستاده و دعا کن و تکبیر و تهلیل و کلمه توحید را بگو و دست خود را بلند کرده بسیار دعا کن، و همچنان دعا را ادامه بده تا اینکه هوا کاملاً روشن شود.

و هر گاه کاملاً صبح روشن شد، قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منی حرکت کن، اگر میسر باشد.

سنت است که فقط هفت سنگریزه برای رمی جمرة العقبة روز عید از مزدلفه جمع کنی، ولی بقیه سنگریزه ها از منی جمع میشود، این بهتر است، و از هر جا که سنگریزه ها برداشته شود جایز است، اما بسیاری از مردم معتقدند که باید سنگریزه ها از مزدلفه جمع شود، و این اعتقاد صحیح



نیست، بلکه از هر دو جا (مزدلفه و منی) جایز است.

و این سنگریزه‌ها از دانه نخود کمی بزرگتر است، و رسول اکرم از غلو و زیاده روی در دین، و از اینکه حجم این سنگریزه‌ها بزرگ باشد نهی فرموده اند.

[النسائی، وابن ماجه، وأحمد وغيرهم، وصححه الألبانی].

و هرگاه سنگریزه‌ها را از مزدلفه جمع کردی با رعایت بسوی مزدلفه برو، و بسیار تلبیه بگو، و مستحب است هرگاه به وادی محسّر، که درّه ای بین مزدلفه و منی است رسیدی در سیر و حرکت خود تند بروی، ولی بدون اذیت و آزار دیگران، چنان که رسول الله آنرا انجام دادند، [مسلم].

و رسول الله برای زنان و بچه ها در شب مزدلفه رخصت داده تا آخر شب بعد از ناپدید شدن مهتاب برای رمی جمره العقبه از مزدلفه به منی بروند. در حالیکه ربع شب و یا نزدیک به ربع آن باقی مانده است.

[روایت بخاری، و مسلم، و دیگری روایت أبو داود و نسائی].

و این حکم خاص و ویژه به اینهاست، اما مردانی که تحمل زحمت دارند، بر آنها واجب است که بعد از طلوع آفتاب جمره العقبه را رمی کنند، تا اینکه به رسول الله تأسی و اقتداء کرده باشند.





(روز عید).

( )

روز دهم ذی حجه، روز عید مسلمانان در تمامی  
 دنیای اسلام است، با سرور و مسرت و خوشحالی آنرا  
 استقبال میکنند، و آن روز حج اکبر است، چون بسیاری  
 از اعمال حج در آن رخ میدهد مانند: رمی، ذبح هدی،  
 تراشیدن سر، طواف کعبه، و سعی بین صفا و مروه.

برادر حاج! هرگاه صبح روز عید به منی رسیدی  
 چهار عمل انجام می دهی که عبارتند از:

۱ - بسوی جمره العقبة که آخرین جمره بطرف مکه  
 است رفته، و در آنجا تلبیه را قطع کرده، و منی را در  
 دست راست خود قرار ده، و قبله را در دست چپ، و

جره را مقابل خود و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با پرتاب هر سنگریزه تکبیر بگو.

و این تنها جهره ای است که روز عید رمی میشود، اما بقیه روزها رمی جهره ها بعد از زوال آفتاب خواهد بود.

و جایز نیست که بیشتر و یا کمتر از هفت سنگریزه جهره را رمی کنی، و از غلو بر حذر باش، چون بعضی از حجاج با سنگ های بزرگ، با کفش و غیره آن را رمی می کنند، و از مزاحمت، و زد و خورد، و آزار و اذیت برادران مسلمان برای رمی جهره بر حذر باش، چون خداوند عبادت و طاعت خود را با اذیت و آزار برادران مسلمان قرار نداده است.

و از افعالی که بعضی مردم انجام می دهند بر حذر باش،  
آنهم اینکه یکبار همه سنگریزه ها را یکدفعه پرتاب میکنند،  
و هر کس اینکار را کرد مانند این است که فقط يك  
سنگریزه پرتاب کرده است، و باید سنگریزه های اطراف  
خود را جمع کرده و بقیه هفت بار را تکمیل کند، و همچنین  
کسی که چیزی از سنگریزه ها را گم کرد از اطراف خود  
سنگریزه را جمع می کند، اگر هم نزدیک جمره ها باشد.

و همچنین از افعال بعضی از مردم نیز بر حذر باش،  
که هنگام پرتاب کردن سنگریزه بسوی جمره ها صدای  
خود را بلند کرده و فحش و دشنام می دهند معتقدند که  
شیطان را رمی می کنند، و این اعتقاد باطل است، زیرا

جمرات بایستی با فروتنی و آرامش و با ذکر خدا و دعا پرتاب شوند، و خداوند رمی جمرات را برای برپا داشتن ذکر و یاد خود شرع نموده است.

باید حاج در پرتاب جمرات مواظب باشد چون بعضی از حجاج ستون را رمی می کنند، در حالیکه بایستی سنگریزه ها در حوض بیفتند، چون ممکن است در حال پرتاب ستون، سنگریزه خارج از حوض بیفتد که این از اشتباهات حجاج بشمار می رود، و مقصود از پرتاب کردن، افتادن سنگریزه ها در حوض است، نه خوردن و اصابت کردن آنها به ستون.

۲- اگر از رمی جمره فارغ شدی، و حج متمتع و یا

قارن بودی، هدی را ذبح کن، و از آن گوشت بخور و به فقراء صدقه کن، و به کسانی که دوست داری هدیه کن، حال چه ذبح در منی باشد که بهتر است، یا در مکه باشد، و خارج از حدود (مرز) مکه ذبح نمی شود.

۳ - و هرگاه از ذبح هدی فارغ شدی، موی سر خود را کوتاه کن و بهتر این است که آنرا با تیغ بزنی، چون رسول الله برای کسیکه موی خود را تیغ میزند سه بار دعای مغفرت کردند، و فرمودند: «اللهم اغفر للمحلقین، اللهم اغفر للمحلقین، اللهم اغفر للمحلقین». ثم دعا للمقصرین مرة واحدة.

[البخاری و مسلم].

پروردگارا! حلق کنندگان (کسانی که موی سر را تیغ

می زنند) مورد بخشش قرار بده، و سه بار آنرا تکرار کرد، سپس برای کسانی که موی سر را کوتاه می کنند یکبار دعا کرد.

و زن از هر زلفه خود به اندازه يك بند انگشت موی خود را کوتاه میکند.

برادر حاج! اگر جمرة العقبة رمی کردی، و موی سر را تیغ زده و یا کوتاه نمودی، همه چیز بر تو حلال خواهد شد، مگر نزدیکی با زن، و اینرا تحلل اول می نامند.

و در اینحال سنت است که خود را تمیز کرده و عطر زده و بهترین لباس هایت را بپوشی.

۴ - برادر حاج! هرگاه از رمی جمره و ذبح هدی، و

تبیغ زدن سر و یا کوتاه کردن آن فارغ شدی بسوی مکه  
رفته و طواف کن که آنرا طواف الإفاضه و یا طواف  
زیارت گویند، و صفت آن همانند طواف عمره و یا  
طواف قدوم که قبلاً ذکر شد می باشد، ولی در آن الرمل  
(یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها)، و اضطباع وجود  
ندارد، و طواف می کنی در حالیکه با وضو هستی و  
لباس خود را پوشیده ای، و هنگامی که از طواف فارغ  
شدی اگر امکان پذیر بود پشت مقام ابراهیم دو  
رکعت نماز بخوان، در حالیکه در این وقت بر حاج  
مشکل است که پشت مقام ابراهیم نماز بخواند،  
آنهم بسبب شلوغی و ازدحام شدید، پس بهتر است که

از مقام دور شود تا نه به مردم اذیت رساند، و نه مردم او را اذیت و آزار دهند، و از آب زمزم بنوش همچنانکه قبلاً ذکر کردیم، سپس بسوی کوه صفا رفته و هفت بار بین صفا و مروه سعی کن، چنانکه در صفت عمره گذشت، و این سعی بر شخص متمتع واجب است، چون سعی اول او برای عمره بود، و این سعی برای حج اوست.

ولی بر شخص قارن و مفرد، فقط يك سعی واجب است، پس اگر در طواف قدوم سعی کرده است برای او از سعی افاضه کافی است و لازم نیست دوباره سعی کند، و اگر قارن و مفرد در قدوم خود سعی نکره اند سعی بر ایشان واجب می شود.

جایز است که طواف إفاضه را يك و یا دو روز به تأخیر اندازی، یا اینکه آنرا در پایان مناسك حج و هنگام خروج از مكّه با طواف وداع انجام دهی، و يك سعی انجام می شود.

برادر حاج! اگر جمره العقبة را رمی کردی، و موی خود را تیغ زده و یا کوتاه کردی، و طواف افاضه را انجام دادی، و سعی برای کسی که سعی بر او واجب است انجام داد، همه چیز حتی زن بر او حلال میشود، و این را تحلل دوم می نامند.

بهتر است که برادر حاج این چهار چیز را بطور ترتیب چنانکه وارد شده انجام دهد، اول رمی جمره العقبة، سپس

ذبح هدی، بعد تیغ زدن مو و یا کوتاه کردن آن، سپس طواف، و بعد از آن سعی برای متمتع، و شخص قارن و مفردی که با طواف قدوم سعی نکرده باشد.

این چنین رسول الله در حجة الوداع انجام دادند. ولی اگر چیزی بر چیز دیگر تقدیم و یا تأخیر افتاد هیچ اشکالی ندارد و إن شاء الله حج صحیح است.

چون یاران از رسول اکرم در روز عید پرسش می کردند که تیغ زدن را بر ذبح هدی تقدیم داشته، و یا طواف را بر رمی جمره تقدیم داشته اند ... تا آخر و در جواب آنها حضرت می فرمودند: «افعل ولا حرج» انجام ده که هیچ اشکالی ندارد، و این بر این دلالت

میکند که خداوند بر بندگانش آسان می‌گیرد، و نشانهٔ  
رحمت و شفقت اوست.

خدایا سپاس برای تو است که آسان گردانیدی و راه  
را بر بندگان آشکار نمودی.



برادر حاج: روزهای تشریق (۱۱، ۱۲، ۱۳) است که روزهای خوردن و آشامیدن و ذکر و یاد خداست و روزه گرفتن در این روزها جایز نیست، مگر برای کسی که هدی پیدا نکرده باشد.

در این روزها چیزهایی بر تو واجب می شود که عبارتند از:

۱ - سه شب را در منی ماندن، و یا دو شب برای کسیکه عجله داشته باشد، واجب آن است که بیشتر شب را در منی بماند، چه از اول شب، و چه از آخر آن، ولی بهتر آن است که تمامی شب را در منی بماند و از آن

خارج نشود، چه در شب و یا در روز، مگر برای غرض معینی مانند طواف و سعی، سپس به جایگاه خود در منی باز گردد.

۲ - رمی جمرات سه گانه هر روز بعد از زوال آفتاب، و اما قبل از زوال آفتاب جایز نیست، چون رسول الله بعد از زوال رمی کردند، و اگر جایز بود برای آسان بودن به امت خود آنرا قبل از زوال انجام می دادند، و صفت رمی جمره های سه گانه چنین است:

أ - جمره اول را که نزدیک به مسجد (خیف) است شروع کرده و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی می کند، و با هر رمی دست خود را بلند کرده و تکبیر

می گوید، و باید مطمئن شد که سنگریزه در حوض افتاده است، و اگر در حوض نیفتد کافی نیست، سپس بجلو رفته و کمی از شلوغی دور شده، و رو به قبله کرده و دست ها را بلند کرده و از خیر و خوبی دنیا و آخرت از خداوند طلب می کند و بسیار دعا می کند.

ب - سپس به جمره وسطی (میانه) رفته و با هفت سنگریزه پشت سر هم آنرا رمی می کند، و با هر پرتابی تکبیر گفته، سپس کمی از شلوغی دور شده، رو به قبله کرده و دست خود را بلند کرده و بسیار دعا می کند.

ج - سپس بسوی جمره العقبة رفته و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با هر پرتابی تکبیر

می گوید، ولی بعد از آن در اینجا دعائی نیست، و باید بعد از آن بسوی محل اقامت رفت تا روز دیگر.

سپس باید در روز (۱۲) بعد از زوال آفتاب چنانکه در روز اول انجام شد جمره های سه گانه را رمی کرد.

پس اگر حاج عجله ای داشته باشد قبل از غروب آفتاب روز (۱۲) از منی بسوی مکه متوجه می شود تا طواف وداع را انجام دهد، و اگر خواست که تأخیر کند، در شب (۱۳) در منی مانده و بعد از زوال آفتاب جمره های سه گانه را چنانکه گذشت رمی می کند.

برادر حاج! سنت است که در این روزها بعد از نمازهای فرض تکبیر گفت و ذکر و یاد خدا را بسیار



کرد، شب و روز و هنگام ذبح هدی، و خوردن، و رمی  
جمره ها، و در همه حال.



بعد از این که خداوند به آن ها توفیق ادای مناسک حج بطور کامل داد و چنان که خدا و رسول خدا امر کرده اند مناسک حج انجام شد، اینجاست که کاروان های حجاج سرزمین های مقدس را ترك میکنند، و طواف وداع که آخرین واجبات حج است برای کسی که بخواهد از مکه بسوی دیار خود باز گردد واجب میشود، رسول الله فرمودند: «لا ینصرفن أحدکم حتی یکون آخر عهده بالبیته». [مسلم]، هیچکس (مکه را ترك نکند) مگر اینکه آخرین اعمال و عهد و پیمان او طواف (کعبه) وداع باشد.

و درباره زن حائض و نفساء (زایمان) رخصت است که طواف وداع را ترك کنند، ولی غیر از این افراد ترك طواف وداع برای کسی جایز نیست.

صفت طواف وداع مانند طواف عمره است، مگر اینکه حاج با لباس خود طواف می کند، و در آن (رمل) و (اضطباع) سنت نیست.

برادر حاج! بعد از طواف دو رکعت نماز سنت پشت مقام ابراهیم را اداء کن، سپس از حرم خارج شده و دعای خروج از مسجد را بگو و آن هم «بسم الله والصلاة والسلام على رسول الله، اللهم إني أسألك من فضلك». [مسلم وغيره].

به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله ، الهی!  
من از تو فضل و احسانت را می خواهم.  
سپس با سلامتی و حفظ خدا به وطن خود بازگرد،  
اگر بعد از طواف وداع نماز فرضی آمد و یا خواستی  
نماز نافله ای بخوانی اشکالی ندارد، لیکن بایستی زیاد  
مکث نکنی، بکوش که طواف وداع آخرین توقف تو  
در مکه باشد.



:

برادر مسلمان! خداوند بر تو منت گذاشت و حاجتش را بر تو تمام کرد، نماز در مسجد الحرام را که هر نماز در آن برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر است نصیب تو کرده است، از اتمام این فضیلت این است که به زیارت مسجد رسول الله در طيبة الطيبة، مدینه المبارکة مهاجر رسول الله رفته ای و در آنجا نمازی که میخوانی هر نمازش برابر هزار نماز در مساجد دیگر میباشد، مگر مسجد الحرام، و شما را به چند تذکر یادآوری می کنیم:

۱ - زیارت مسجد النبوی طاهر و پاک هیچ ارتباطی

به حج ندارد، پس نه از واجبات، و نه از ارکان حج است، و زیارت آن در تمامی سال مستحب است، و چون در این کشور بودی سخن از زیارت آن مناسب آمد، ولی حدیث «من حج ولم یزرنی فقد جفانی» حدیث مجعول و ساختگی است و از رسول اکرم نیست.

۲ - برادر زائر! هرگاه به مسجد نبوی وارد شدی مستحب است که پای راست را در هنگام دخول جلو بگذاری و این دعاء را بخوانی: «أعوذ بالله العظیم، وبوجهه الکریم، وسلطانہ القدیم، من الشیطان الرجیم، بسم الله والصلاة والسلام علی رسول الله، اللهم افتح لی أبواب رحمتک». [روایت و ترجمه آن گذشت].

۳ - دو رکعت نماز تحیه مسجد را ادا می کنی، مانند

بقیه مساجد، و هر چه خواستی دعا می کنی، بهتر است که این دو رکعت را در روضه شریفه اداء کنی، و آنهم بین منبر و بین خانه پیامبر که در آن قبر وجود دارد، چون رسول الله فرمودند: «ما بین بیتی و منبری روضة من ریاض الجنة، و منبری علی حوضی».

[رواه البخاری و مسلم].

در بین منبر و خانه ام باغچه ای از باغچه های بهشت است، و منبر من در روز قیامت بر حوض کوثر قرار دارد.

۴ - سپس ای برادر زائر به نزد قبر رسول الله

برای سلام برو، با ادب و فروتنی و با صدای آرام مقابل قبر ایستاده و چنین سلام کن: «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، اللهم صل على محمد وعلى آل

محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد». [البخاري].

[سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای محمد، بار إلهها! بر محمد و آل محمد درود بفرست، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی، بار إلهها! بر محمد و آل محمد برکت نازل فرما، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی].

و اگر این دعا را اضافه کنی خوب است: «أشهد أنك رسول الله حقاً، وأنتك بلغت الرسالة، وأديت

الأمانة، وجاهدت في الله حق جهاده، ونصحت الأمة،  
فجزاك الله عن أمتك أفضل ما جزى نبياً عن أمته».

گواهی میدهم که تو پیامبر حق بودی، و رسالت را  
ابلاغ کردی، و امانت را ادا نمودی، و در راه خدا  
جهاد کردی، و امت را نصیحت فرمودی، پس خدا  
پادش تو را بهترین پادشی که هر پیامبری از امت خود  
می دهد، عطا فرماید.

چون اینها همه از اوصاف او می باشد.

سپس کمی جلو رفته و بر ابوبکر الصدیق سلام  
کن، و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت  
باشد برای او بگو، سپس کمی به طرف راست جلو رفته

و بر عمر بن الخطاب سلام کن و آنچه مناسب دعای  
خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو.

۵ - برادر زائر! بعضی از زائرین مسجدالنبوی  
کارهایی مخالف با تعالیم اسلام، و گفته پیامبر انجام  
می دهند، پس از آنها بر حذر باش، چون بعضی از زائرین  
به سنگ ها و پنجره ها دست می کشند، طوری که  
میخواهند دور آنها طواف کنند، و بعضی از آنها از رسول  
خدا طلب قضای حاجت و شفای مریضان میکنند، و  
مانند اینها، که هیچ کدام از اینها جایز نیست، و اگر اینها  
حق بود، رسول الله انجام آن را به ما امر می فرمودند،  
و صحابه و یاران آن را انجام می دادند.

۶ - برای زن، زیارت قبر رسول الله و دیگر قبرستانها جایز نیست، لیکن زن مسجد النبی را زیارت کرده و در آن عبادت خدا می کند، و از مکان خود بر رسول الله درود می فرستد و سلام می کند، چون هر جا باشد این سلام به او می رسد.

۷ - برادر زائر! مادامیکه در مدینه هستی بر مردان زیارت قبرهای بقیع، و از جمله آنها خلیفه سوم عثمان بن عفان، و قبرهای شهدای أحد، و قبر حمزه سنت است، چون رسول الله آنها را زیارت میکرده و بر ایشان دعا می فرمودند، و چنین می فرمودند: «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، وإنا إن شاء الله بکم لاحقون، یرحم الله المستقدمین منا

والمستأخرين، نسأل الله لنا ولكم العافية». [مسلم].

[سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، و ما بخواست خداوند به شما خواهیم پیوست، خداوند بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید، و برای خودمان و برای شما از خداوند آرزوی سلامت و عافیت داریم].

۸ - برادر و خواهر زائر: از اماکنی که آن را زیارت جایز است: مسجد قباء است، چون رسول الله بطور پیاده و سواره زیارت آن می کردند و در آن دو رکعت نماز می خواندند. [البخاری و مسلم].

و در فضیلت نماز در آن از سهل بن حنیف آمده که

رسول الله فرمودند: «من تطهر فی بیه ثم أتى  
مسجد قباء فصلی فیہ کان له كأجر عمره».

[النسائی، وابن ماجه، وأحمد والحاكم، وصححه الألبانی].

هر کس در خانه خود وضو بگیرد، سپس به مسجد  
قباء رفته و نماز بخواند، برای او مانند أجر عمره است.

برادر حاج! در پایان این کتاب تو را به چند وصیت و  
تذکر سفارش می کنیم، ممکن است که به تو نفع برساند،  
چون فضای وسیع بیت الله الحرام جایی است که به  
طاعت و بندگی انسان کمک کرده و او را از معصیت دور  
می دارد.

۱ - بر ادای نمازهای پنجگانه در مسجد الحرام حریص

باش، و زود در مسجد حاضر باش، و تا آنجایی که در  
توان باشد در خشوع و خضوع نماز کوشا باش.

۲ - تلاوت قرآن از بزرگترین قربات به خدا است،  
پس برای خود در این حج و عمره برنامه ای قرار ده  
تا بتوانی به قدر توانایی خود بخش هایی از قرآن را  
بخوانی.

۳ - نماز در مسجد الحرام برابر با صد هزار نماز در  
مساجد دیگر است، پس بر ادای نوافل و سنن حریص  
باش، مردی به نزد رسول الله آمد و از او خواست  
تا در بهشت با آن حضرت باشد، آنحضرت  
فرمودند: «أعني على نفسك بكثرة السجود». [مسلم].

مرا بر یاری ات به بهشت با ادای نوافل بسیار کمک کن.  
یعنی نوافل و سنن بسیاری انجام ده تا در بهشت با من باشی.

۴ - از نیکی‌هاست که بر اذکار صبح و شام محافظت کنی، پس تلاش کن تا آنرا حفظ نمایی، آنهم از روی بعضی از کتابهای اذکار مانند کتاب الشیخ بکر بن عبدالله أبوزید عضو هیئت کبار علماء.

۵ - بر اخلاق و معامله خوب حریص باش، و از بدی دوری کن.

۶ - ای برادر! به سوی توبه بشتاب، و صفحه نو برای زندگی خود باز کن که پر از ایمان و عمل صالح و نیک باشد، امید است که این سفر مبارك در خیری

باشد که تو را به خالق و مولایت نزدیک کند.

قال تعالى: ﴿ قُلْ يَعْبادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا  
 مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ  
 ﴿١٠٦﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ  
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١٠٧﴾ وَأَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن  
 قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٠٨﴾ أَن تَقُولَ  
 نَفْسٌ يَحْسَرُنِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ  
 السَّاجِدِينَ ﴿١٠٩﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ  
 الْمُتَّقِينَ ﴿١١٠﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً  
 فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١١﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَءَايُتِي فَكَذَّبْتِ بِهَا  
 وَأَسْتَكْبَرْتِ وَكُنتِ مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿١١٢﴾ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَىٰ

الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى  
 لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦١﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ  
 أَلْسُوءٌ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٥٣﴾ [الزمر: ٥٣-٦١].

[ای پیامبر، از سوی من) بگو: ای بندگانِ که بر  
 خود اسراف کرده اید، از رحمتِ خدا ناامید نشوید. به  
 راستی خداوند همه گناهان را میبخشد. بیگمان اوست  
 آمرزگار مهربان. و پیش از آنکه عذاب به شما رسد،  
 آنگاه یاری نیابید به سوی پروردگارتان، باز آید و در  
 برابر او تسلیم شوید. و پیش از آنکه ناگهان عذاب به  
 شما رسد و شما ناآگاه باشید، از بهترین آنچه از سوی  
 پروردگارتان به شما نازل شده است، پیروی کنید. که

(مبادا) کسی بگوید: وای بر من به خاطر کوتاهی ای که در حق خدا کردم، و بیگمان از ریشخندکنندگان بود. یا بگوید: اگر خداوند مرا هدایت می کرد، به یقین از پرهیزگاران بودم. یا چون عذاب را ببیند، بگوید: ای کاش بازگشتی داشتم تا از نیکوکاران باشم. (خداوند می فرماید:) آری آیات من به تو رسید و آنها را دروغ انگاشتی و کبر ورزیدی و از کافران شدی. و روز قیامت آنان را که بر خداوند دروغ بستند، خواهی دید که چهره هایشان سیاه شده است. آیا برای متکبران جایگاهی در دوزخ نیست؟ خداوند پرهیزگاران را قرین رستگاری شان نجات می دهد. به آنان رنجی نرسد و نه اندوهگین شوند].

و در پایان: هدیه الحاج و المعتمر (بنیاد هدیه: حجاج و معتمرین)، از خدا مسئلت دارد تا سعی شما مشکور، و حج و عمره تان مقبول باشد، و شما را سالم و با پاداشی فراوان به خانواده تان برگرداند، و بر ما و شما پایداری و استوار بودن بر دین و عمل نیک منت گذارد.



﴿ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ  
الْخَاسِرِينَ ﴾ [۲۳ الأعراف].

[پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کرده ایم و اگر ما را  
نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیان دیدگان خواهیم بود].  
﴿ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ [۱۲۷ البقرة].

[ای پروردگارا ما! (این عمل را) از ما بپذیر. بی  
گمان تو شنوا و دانا هستی].  
﴿ وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴾ [۱۲۸ البقرة].

[و ما را ببخشای. بی گمان تو بس توبه پذیر و  
مهربانی].

﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴾

[۴۰ ابراهیم].

[پروردگارا، مرا و (کسانی) از فرزندان مرا، نمازگزار

کن، پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر].

﴿ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ

وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴾ [۱۹ النمل].

[پروردگارا! چنان کن که پیوسته سپاسگزار

نعمت‌هایی باشم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای،

و مرا توفیق عطا فرما تا کارهای نیکی را انجام دهم که

تو از آنها راضی باشی، و مرا در پرتو مرحمت خود از

زمره بندگان شایسته ات گردان].

﴿ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٧﴾ وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٨﴾ وَأَحِلِّ لِي  
عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي ﴿٢٩﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٣٠﴾ [٢٨ طه].

[پروردگارا، سینه ام را بر من بگشا. و کارم را بر من  
آسان گردان. و گره از زبانم بگشای. تا اینکه سخنان مرا  
بفهمند].

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا  
وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٤٧﴾ [٤٧ آل عمران].

[پروردگارا! گناهانمان را ببخشای و از زیاده رویها  
و تند رویهایمان صرف نظر فرمای و گامهایمان را  
استوار بدار. و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان].

﴿ رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴾

[۱۰۰ الکهف].

[پروردگارا! ما را از رحمت خود بهره مند، و راه

نجاتی برایمان فراهم کن].

﴿ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿۹۸﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ

أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿۹۸﴾ [المؤمنون].

[پروردگارا! خویشتن را از وسوسه های اهریمنان

در پناه تو میدارم. و خویشتن را در پناه تو میدارم از اینکه

با من گرد آیند].

﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا

إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا

مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ<sup>ط</sup> وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ  
مَوْلَانَا فَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿ [البقرة ۲۸۶].

[پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم،  
ما را بدان مگیر، پروردگارا! بار سنگین را بر دوش ما  
مگذار آنچنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند  
گذاشتی، پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر  
ما بار مکن، و از ما درگذر، و ما را ببخشای، و به ما  
رحم کن، تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت  
کافران پیروز گردان].

﴿ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ  
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿ [آل عمران ۸].

[پروردگارا! دلهای ما را از راه حق منحرف مگردان  
بعد از آنکه ما را رهنمود و هدایت نمودی، و از جانب  
خود رحمتی به ما عطاء کن، بیگمان بخشایشگر توئی تو].  
﴿ رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۚ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا  
﴿ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴾ [۶۶ الفرقان].

[پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما دور بدار، چرا که  
عذاب آن گریبانگر هر کس که شد از او جدا نمی گردد،  
بیگمان دوزخ بدترین قرارگاه و جایگاه است].  
﴿ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ ۚ وَاجْعَلْنَا  
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴾ [۷۴ الفرقان].

[پروردگارا! همسران و فرزندانمانی به ما عطاء فرما که

(به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده)  
 مایه سرور ما و باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را  
 پیشوای پرهیزگاران گردان].

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ  
 النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

[پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان، و در آخرت  
 نیز به ما نیکی عطاء فرما].

«اللهم إني أعوذ بك من فتنة النار وعذاب النار،  
 وفتنة القبر، وعذاب القبر، وشر فتنة الغنى، وشر فتنة  
 الفقر، اللهم إني أعوذ بك من شر فتنة المسيح الدجال  
 اللهم اغسل قلبي بماء الثلج والبرد، ونق قلبي من الخطايا  
 كما نقيت الثوب الأبيض من الدنس، وباعد بيني وبين

خطایای کما باعدت بین المشرق والمغرب. اللهم إني  
أعوذ بك من الكسل والمأثم والمغرم». [البخاری و مسلم].

خدایا از فتنه دوزخ و عذاب دوزخ، و فتنه قبر، و  
عذاب قبر، و شر فتنه ثروتمندی، و شر فتنه فقری، به تو  
پناه می برم. خدایا از فتنه دجال مسیح به تو پناه می برم،  
خدایا، قلبم را با آب یخ و تگرگ بشوی، و قلبم را از  
گناهان پاک گردان، همچنانکه لباس سفید از چرک پاک  
میشود، و بین من و بین خطاهایم دوری بینداز، چنانکه  
بین مشرق و مغرب فاصله انداختی.

خدایا! از تنبلی و پیری و گناه و بدهکاری، به تو پناه

می برم.

«اللهم إني أعوذ بك من العجز والكسل، والجبن والهرم والبخل، وأعوذ بك من عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات». [البخارى ومسلم].

خدایا! همانا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و برزخ، به تو پناه می برم.

«اللهم إني أعوذ بك من جهد البلاء، ودرك الشقاء، وسوء القضاء، وشماتة الأعداء». [البخارى ومسلم].

خدایا! من از شدت رنجِ بلا، بدبختی، قضا و سرنوشت بد، و از خوشحالی دشمن، به تو پناه می برم.

«اللهم أصلح لي ديني الذي هو عصمة أمري، وأصلح لي دنياي التي فيها معاشي، وأصلح لي آخرتي

التي إليها معادي، واجعل الحياة زيادة لي في كل خير،  
واجعل الموت راحة لي من كل شر». [مسلم].

خدایا! دین مرا اصلاح کن، که آن سبب سلامت کار  
من است، و دنیایم را اصلاح کن، که روزی من در آن  
است، و آخرت مرا اصلاح کن، که معاد و بازگشت من  
به آن است، و زندگی را در خیر بسیار، و مرگ را از هر  
شر برایم راحت بگردان.

«اللهم إني أسألك الهدى، والتقى، والعفاف،  
والغنى». [مسلم].

خدایا! از تو هدایت و تقوا و پاکی و بی نیازی خواهانم.  
«اللهم إن أعوذ بك من العجز، والكسل، والجبن،  
والبخل، والهرم، وعذاب القبر، اللهم آت نفسي تقواها،

وزكها أنت خير من زكاهها. أنت وليها ومولاها».

خدایا! هرآینه من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و  
 بخیلی، و از عذاب قبر به تو پناه می برم، خدایا! به نفسم  
 تقوا عطا فرما و آن را پاک گردان؛ که تو بهترین پاک  
 کنندگانی. تو مالک نفس من و صاحب آن هستی.

«اللهم إني أعوذ بك من علم لا ينفع، ومن قلب  
 لا يخشع، ومن نفس لا تشبع، ومن دعوة لا يستجاب  
 لها». [مسلم].

خدایا! از علم و دانشی که سود و فایده ای نمی‌رساند،  
 و از دلی که فروتن نمی‌شود، و از نفسی که سیر نمیشود،  
 و از دعایی که مستجاب نمیشود، به تو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك، وتحول عافيتك، وفجاءة نقمتك، وجميع سخطك». [مسلم].

خدایا! من از زوال و نیست شدن نعمت بر خودم، و از برگشتن تندرستی ام (به سوی بیماری و ناخوشی) و از عقوبت ناگهانی ات، و از خشم و غضبت، به تو پناه میبرم.

«اللهم أكثر مالي، وولدي، وبارك لي فيما أعطيتني، وأطل حياتي على طاعتك وأحسن عملي، واغفر لي». [أوله في البخاری ومسلم من دعاء النبی لأنس، وآخره أخرجه البخاری في الأدب المفرد، والترمذي].

خدایا مالم و اولادم را زیاد کن، و بر آنچه به من عطا فرمودی برکت ده، و زندگیم را بر طاعت خود طولانی، و کارم را نیک بگردان، و گناهم را ببخش.

«لا إله إلا الله العظيم الحليم، لا إله إلا الله رب  
العرش العظيم، لا إله إلا الله رب السموات، ورب  
الأرض ورب العرش الكريم». [البخارى ومسلم].

معبودی به حق نیست مگر خدای بزرگ و بردبار.  
معبودی به حق نیست مگر پروردگار عرش بزرگ.  
معبودی به حق نیست مگر پروردگار آسمان ها و زمین و  
عرش بزرگ.

«اللهم رحمتك أرجو فلا تكلني إلى نفسي طرفة  
عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت».  
[أبو داود وأحمد وحسنه الألبانى وغيره].

خدایا، من رحمتت را آرزومندم، پس هرگز مرا به  
خود به يك چشم زدن هم وامگذار، و تمامی امورم را

اصلاح فرما، خدایبی بحق نیست مگر تو.

«اللهم إني عبدك ابن عبدك، ابن أمتك، ناصيتي بيدك، ماض في حكمك، عدل في قضاؤك. أسألك بكل اسم هو لك سميت به نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علمته أحداً من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تجعل القرآن ربيع قلبي، ونور صدري، وجلاء حزني، وذهاب همي.»

[أحمد والحاكم، وحسنه ابن حجر، وصححه الألباني].

خدایا من بنده تو ام، پسر بنده تو، پسر کنیز تو، پیشانی ام (زمامم) به دست تو است، حکمت بر من جاریست، و حکمت بر من عدل است، از تو خواهانم با تو سل به هر اسمی که از آن تو است، و تو خود را به آن

نامیده ای، و یا آنرا در کتاب نازل کرده ای، و یا آن را به یکی از بندگانت آموخته ای، و یا آنرا در علم غیب نزد خود برگزیده ای، که قرآن را بهار قلبم، و نور سینه ام، و صیقل دهنده اندوهم، و دور کننده غمم بگردانی.

«اللهم مصرف القلوب صرف قلوبنا على طاعتك». [مسلم].

ای دگرگون کننده دل ها! دلم را به سوی طاعت هدایت کن.

«اللهم إني أعوذ بك من شر سمعي، ومن شر بصري، ومن شر لساني، ومن شر قلبي، ومن شر مني» [ابو داود والنسائي والترمذي، وصححه الألباني].

خدایا، من از شر گوش، چشم، زبان، قلب، آرزویم،  
بتو پناه میبرم.

«اللهم إني أعوذ بك من منكرات الأخلاق،  
والأعمال، والأهواء». [الترمذي وابن حبان والحاكم والطبراني].

خدایا، از بدی اخلاق، و اعمال، و هوا و هوس به تو  
پناه می برم.

«اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عني».  
[الترمذي].

خدایا، تو عفو کننده و کریم هستی، و عفو را دوست  
داری، پس مرا عفو نما.

«اللهم إني أسألك فعل الخيرات، وترك المنكرات،  
وحب المساكين، وأن تغفر لي، وترحمني، وإذا أردت

فتنة قوم فتوفني غير مفتون، وأسألك حبك، وحب من  
 يحبك، وحب عمل يقربني إلى حبك». [أحمد والترمذي والحاكم].  
 خدایا، من از تو اعمال خیر، و ترک منکرات، و محبت  
 مساکین را خواهانم. مرا بیخشای، و رحمت کن، و اگر  
 به قومی فتنه ای خواستی، مرا بدون فتنه بمیران، و محبت  
 تو، و محبت کسانی که تو را دوست دارند خواهانم، و  
 محبت عملی را که به محبت تو نزدیک می کند.

«اللهم إني أسألك من الخير كله عاجله وآجله، ما  
 علمت منه وما لم أعلم، وأعوذ بك من الشر كله عاجله  
 وآجله، ما علمت منه وما لم أعلم. اللهم إني أسألك من  
 خير ما سألك عبدك ونبيك، وأعوذ بك من شر ما أعاذ  
 منه عبدك ونبيك. اللهم إني أسألك الجنة، وما قرب إليها

من قول أو عمل، وأعوذ بك من النار وما قرب إليها من  
قول أو عمل، وأسألك أن تجعل كل قضاء قضيت له لي  
خيراً». [ابن ماجه و احمد و الحاكم و صححه و وافقه الذهبي].

خدایا! همه خیرات را از تو خواهانم، زود و دیر،  
آنچه من می دانم، و آنچه نمی دانم، و از همه شرور به تو  
پناه می برم، زود و دیر، آنچه من می دانم، و آنچه  
نمیدانم، خدایا، از بهترین چیزی که بنده و پیامبرت از  
تو پرسیدند، خواهانم، و از بدترین چیزی که بنده و  
پیامبرت از آن پناه خواستند، پناه می خواهم، خدایا،  
بهشت و آنچه مرا به آن نزدیک می کند از قول و عمل، از  
تو خواهانم، و از دوزخ، و آنچه به آن نزدیک می کند، از  
قول و عمل، به تو پناه می برم. و از تو خواهانم آنچه

برایم سرنوشت کرده ای، همه آنرا را خیر بگردان.

«اللهم احفظني بالإسلام قائماً، واحفظني بالإسلام قاعداً، واحفظني بالإسلام راقداً، ولا تشمت بي عدواً، ولا حاسداً. اللهم إني أسألك من كل خير خزائنه بيدك، وأعوذ بك من كل شر خزائنه بيدك».

[الحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا! مرا مسلمانان، ایستاده و نشسته و خوابیده نگهدار، و دشمنی و حسد کننده ای را بر من خوشحال مگردان، خدایا، هر خوبی را که گنجینه آن به دست توست، از تو مسئلت دارم، و از هر شری که گنجینه اش به دست توست، به تو پناه می برم.

«اللهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول به بيننا وبين

معاصيك، ومن طاعتك ما تبلغنا به جتتك، ومن اليقين  
 ما تهون به علينا مصائب الدنيا، اللهم متعنا بأسماعنا،  
 وأبصارنا، وقواتنا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا،  
 واجعل ثأرنا على من ظلمنا، وانصرنا على من عادانا،  
 ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا،  
 ولا مبلغ علمنا، ولا تسلط علينا من لا يرحمنا».

[الترمذي، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا! از ترس خود به ما ارزانی بدار تا مانع ما از  
 ارتکاب گناه باشد، و از طاعت خود به ما عطا فرما تا ما  
 را به بهشت برسانی، و یقین به ما ارزانی دار تا مصیبت‌های  
 دنیا برایمان آسان گردد، و گوش و چشم‌هایمان، و سایر  
 قوای بدنی‌مان را تا زنده ایم از ما بگیر، و آنرا نگاه، و ما

را صاحب این نعمت‌ها (گوش، و چشم، و سایر قوای بدن) بگردان، (نه اینکه قبل از مردن از بین برود)، و انتقام ما را از ستمگران بگیر، و بر دشمنان نصرت ده، و مصیبت ما را در دین ما قرار نده، و دنیا را مهم‌ترین قصد و اراده ما قرار مده، و دنیا را منت‌های علم و دانش ما قرار مده، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان.

«اللهم إني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً ولا يغفر الذنوب إلا أنت، فاغفر لي مغفرة من عندك، وارحمني إنك أنت الغفور الرحيم». [البخاری و مسلم].

خدایا! همانا من به خود ظلم کردم، ظلمی بسیار زیاد و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد، پس مرا بیامرزد، به

خاطر فضل و کرم خودت، و به من رحم فرما. همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی.

«اللهم إنا نسألك موجبات رحمتك، وعزائم مغفرتك، والسلامة من كل إثم، والغنيمة من كل بر، والفوز بالجنة، والنجاة من النار». [الحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا، آنچه که موجب رحمت می شود، و به مغفرت کمک می کند، و سلامتی از هر گناه، و غنیمت از هر خیر، و فیروزی بهشت، و نجات از دوزخ را، از تو خواهانم.

«اللهم اجعل أوسع رزقك على عند كبر سني، وانقطاع عمري». [الحاكم وصححه الألباني].

خدایا، فراخی روزیت را در هنگام پیریم، و از دنیا رفتنم

قرار ده.

«اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك وأنا أعلم،  
وأستغفرك لما لا أعلم». [أحمد وصححه الألباني].

خدایا، من از اینکه دانسته به تو شرک ورزم، به تو پناه  
می برم، و از آنچه نمی دانم استغفار می کنم.

«اللهم إني أسألك علماً نافعاً، ورزقاً طيباً، وعملاً  
مقبولاً». [ابن ماجه، وصححه الألباني].

خدایا، علمی سودمند، و روزی حلال، و عملی مقبول  
از تو خواهانم.

«اللهم إني أسألك خير المسألة، وخير الدعاء،  
وخير النجاح، وخير العمل، وخير الثواب، وخير  
الحياة، وخير الممات، وثبتني، وثقل موازيني، وحقق

إيماني، وارفع درجاتي، وتقبل صلاتي، واغفر خطيئتي،  
وأسألك الدرجات العلى من الجنة، اللهم إنى أسألك  
فواتح الخير، وخواتمه، وجوامعه، وأوله، وظاهره،  
وباطنه، والدرجات العلى من الجنة آمين. اللهم إنى  
أسألك خير ما آتى، وخير ما أفعل، وخير ما أعمل،  
وخير ما بطن، وخير ما ظهر، والدرجات العلى من  
الجنة آمين.

اللهم إنى أسألك أن ترفع ذكري، وتضع وزري،  
وتصلح أمري، وتطهر قلبي، وتحصن فرجي، وتنور  
قلبي، وتغفر لي ذنبي، وأسألك الدرجات العلى من  
الجنة آمين.

اللهم إنى أسألك أن تبارك في نفسي، وفي سمعي،  
وفي بصري، وفي روحي، وفي خلقي، وفي خلقي، وفي

أهلي، وفي عيای، وفي مماتي، وفي عملي، فتقبل  
حسناتي، وأسألك الدرجات العلی من الجنة أمين».

[الحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا، بهترین مسئلت، و بهترین دعا، از تو خواهانم،  
و بهترین پیروزی، و بهترین عمل، و بهترین پاداش، و  
بهترین زندگی، و بهترین مُردنی از تو خواهانم، مرا  
پایدار گردان، و ترازوی اعمال نیکم را سنگین گردان،  
ایمانم را به یقین برسان، و درجاتم را بلند، و نمازم را  
قبول فرما، و گناهم را ببخش، و بلندترین درجات  
بهشت را از تو خواهانم، خدایا، فاتحه و خاتمه خیرها، و  
جامع آن، و ظاهر و باطن آن، و درجات بلند بهشت را از  
تو خواهانم، آمین.

خدایا، بهترین چیزی که بر آن می آیم، و انجام  
میدهیم، و بهترین آشکار و درون، و درجات بلند بهشت  
را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، از تو خواهانم تا ذکرم را بلند گردانی، و  
گناهم را بکاهی، و امورم را اصلاح کنی، و قلبم را  
پاك گردانی، و شرم گاهم را محفوظ بداری، و قلبم را  
نورانی کنی، و گناهم را ببخشی، و بلندترین درجات  
بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا! از تو می خواهم که در نفس، گوش، چشم،  
روح، خلقت، اخلاق، اهل، زندگی، مردن، کارم،  
برکت دهی، و نیکی هایم را مقبول گردانی، و بلندترین

درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین.

«اللهم متعني بسمعي، وبصري، واجعلهما الوارث  
مني، وانصرني على من ظلمني، وخذ منه بثأري».

[الترمذي، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا، در گوش، چشم مرا خوش بگذران، و وارث  
من قرار ده، و مرا بر کسی که به من ستم کرد نصرت ده،  
و انتقام مرا از او بگیر.

«اللهم إني أسألك عيشة نقية، وميتة سوية، ومرداً  
غير مخزٍ ولا فاضح» . [البزار في الزوائد، والطبراني].

خدایا! زندگی پاک، و مردنی خوب و بازگشتنی  
بدون خواری و رسوائی، از تو خواهانم.

اللهم صلی وسلم علی محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

صفة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء  
إعداد: هدية الحاج والمعتمر - المكتب العلمي  
مراجعة: نخبة من العلماء

باللغة الفارسية

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

طبع ونشر:

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد  
المملكة العربية السعودية

صفة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء  
إعداد: هدية الحاج والمعتمر - المكتب العلمي  
مراجعة: نخبة من العلماء

باللغة الفارسية

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

الناشر

وكالة المطبوعات والبحث العلمي

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

١٤٢٥هـ